

غزلک



■ خورشید خانوم

خورشید خانم خورشید خانم شب اومده خواستگاری
ما رو فراموش نکنی رو عهدمون پا نزاری
خورشید خانم یه وقت نری کنیز دیو شب بشی
ساده نشی گول نخوری همسر میر غضب بشی
تو قصر دیو شب باید با بی چراغی سر کنی
این همه عاشقو باید دوباره دربه در کنی
ما عمر یه خاطر خواه نور شماییم به خدا
دنبال یه رشته از اون موی طلائییم به خدا
خورشید خانم خورشید خانم خواستگارت قلابیه
به فکر قیچی کردن اون موهای آفتابیه
میگن شما منتظرین که شب ستاره دار بشه
دل سیاهش مثل ما عاشق و بیقرار بشه
خورشید خانم باور نکن این کلک دوباره رو
خیلی وقته میشناسیم این شب بی ستاره رو
حتی اگه بگین بمیر شب جواب رد نمیده
اما دیگه دیدنتون به عمر ما قد نمیده
این شب تاریک کلک هفتاد و هفتا جون داره
میمیره اما دوباره تو قصه مون پا میزاره
خورشید خانم طلوع کنین تا این شب اینجا نمونه
خروس واسه طلوعتون دوباره آواز بخونه

■ تقدس

به تقدس نگاهت که تمامی امیده
دل من مثل فناری تو نگاه پریده
تو برام دلیل عشقی یه بهانه واسه بودن
واژه ها رو کم میارم واسه از غمت سرودن
تو سرمای تباهی تو واسم یه جون پناهی
سر بزن سپیده من تو شبای چشم براهی

نمیدونم چی بگم من واسه ی عرض ارادت
میدونم که تکیه گاهی واسه این شکسته قامت
وقتی دل به تو سپردم با همه غریبه گشتم
تویی صیاد دل من من همون آهوی دشتم
تو همونی که یه عمری دل من دریه درت بود
این کیوتر اسیرت بی تو یک لحظه نیاسود
بیا از قفس رها کن این پرنده اسبرو
راه بده تو باغ چشماات این پرستوی حقبرو

■ طعنه

طعنه نزن به گریه هام تنها تو میمونی برام
تنها تو میشناسی منو ای پریرزاد قصه هام
تنها صدای پای تو حرمت خونه منه
کاشکی بدونی خواستنت به قیمت خون منه
تو ساحت نگاه تو لحظه به لحظه جون میدم
میمرم و خاک تنو به دست آسمون میدم
داد میزنم تو کوچه ها زندگی سهم عاشقاس
گناه عشقهای خودم هر چی که هست لطف خداس
نمیدونید چقدر کمه فرصت پروانه شدن
شعله زدن به رسم شمع لذت و بیرونه شدن
من اون قلندر شیم شعله نمیسوزه تنم
قربونی وصال تو پوست نجیب پیرهنم
طعنه نزن به گریه هام اشکای تازه تر میخوام
رسم و وفا نیست که منو جا بزاری تو غصه ها
تنها صدای پای تو حرمت خونه منه
کاشکی بدونی خواستنت به قیمت خون منه
تو ساحت نگاه تو لحظه به لحظه جون میدم
میمرم و خاک تنو به دست آسمون میدم
داد میزنم تو کوچه ها زندگی سهم عاشقاس
گناه عشقهای خودم هر چی که هست لطف خداس

■ غزلک

پشت پلکام عکستو نقاشی کردم غزلک
تو رو میبینم تا وقتی چشم میبندم غزلک
یه پیامه این تبسم که رو لبهای منه
خیلی وقته که به گریه هام میخندم غزلک
غزلک چندتا غزل مونده تا اون لحظه ناب؟
پس کی عکس یادگاری زنده میشه توی قاب؟
نگاه کن واژه به واژه با منی مثل نفس

مثل یک گل قدیمی لای برگای کتاب
مثل یک دره عمیقی مثل یک منظره پاک
مثل یه خوشه سر شاخه خشکیده تاک
گریه اول بچه وقت دنیا اومدن
آخرین رفص یه برگ وقتی میفته روی خاک
با تو من زنده ترین ترانه سازم غزلک
با تو از حق هق واژه بی نیازم غزلک
قافیه باختن من پیشکش یک نگاه تو
یه اشاره کن تا جونمو ببازم غزلک
غزلک بی تو صدام چنگی به دل نمیزنه
آخه عطر تن تو نیض نفس های منه
تو با من هم ضرباتی تو تموم لحظه ها
بی تو بغضم مثل یه گلدون کهنه میشکنه
مثل یک دره عمیقی مثل یک منظره پاک
مثل یه خوشه سر شاخه خشکیده تاک
گریه اول بچه وقت دنیا اومدن
آخرین رفص یه برگ وقتی میفته روی خاک

■ دوست دارم

بزار بگم دوستت دارم اگرچه خیلی سخته
حکایت ما آدما حکایت درخته
درختی به ساقه و به ریشه هاش مینازه
گل میکنه میوه همیشه سرفرازه
زندگی یک درخته و من ریشه ام تو ساقه
اگه که ما با هم باشیم دنیا دیگه یه باغه
میوه های زندگیمون بچه های تشنگن
تو گلدونای دلامون گلای رنگارنگن
همسر مهربون من بگو منو دوست داری
دستای گرم تو دستای من میزاری
بگو که ما هم تقسیم تا دنیا دنیا باشه
نمیزاریم زندگیمون از همدیگه بیاشه

■ همزاد

از تو خوندن واسه من تسکینه
تو یه همفوسی توی این تنهایی
وقتی نیستی دل من غمگینه
من یه رودخونه ام تو مثل دریایی
بی تو بازم از تو خوندم از تو همیشه
تو صدای منو توی شب نشنیدی

گفتم توی دنیا هیشکی مثل تو نمیشه
تو به حرفای من دوباره خندیدی
تنها، تنها بی تو تنها موندم
بیا تا دوباره منو تو ما باشیم
بی تو، بی تو پر پروازم نیست
منو تو مثل دو کبوتریم چرا تنها باشیم؟
همزاد قصه های من با تو صدتا ترانه ام
بی خورشید نگاه تو دل میبیره
برگرد از عمق فاصله پا روی جاده ها بزار
سرمای دستمو بگیر فردا دیره

■ یادش بخیر

یادش بخیر بادبادکا پرنده های بیصدا
با دست ما گم میشدن تا قله آسمونا
یادش بخیر رو نرده ها بازی نور و سایه ها
پچ پچ ما تو دل شب شعر قشنگ کوچه ها
مثل گل آفاقیا رونق خونه میشدیم
تو فصل برگای خزون پر از جوونه میشدیم
خط خطی مشقای شب جریمه عشق تو بود
تو دفتر خاطره هام آخر گریه خنده بود
تو پیچ و تاب دالونا تو غربت خیابونا
آوازه خون شب شکن ما بودیم و عشق به خدا
یادش بخیر چه زود گذشت خاطره جوونیا
رفاقت دستای ما اون همه مهریونیا
یادش بخیر که عکس تو هنوز تو قاب دل ماست
یادش بخیر که اسم من هنوز رو دیوار شماست

■ گل یخ

آی گل یخ ای گل یخ زمستونم بارشو بست
طلسم زم حریر شب تنها با دست تو شکست
ناصر عبداللهی:
تو یاد دادی به این صدا که سر بده ترانه رو
تویی که زنده میکنی شعرهای عاشقونه رو
سعید:
از من و تو گذشت عزیز به شب بگو آفتابی شه
ستاره رو سرم بریز به شب بگو آفتابی شه
ناصر:
از من و تو گذشت عزیز به شب بگو آفتابی شه
ستاره رو سرم بریز به شب بگو آفتابی شه

سعید:

آی گل یخ با تو میشه دل به ترانه ها سپرد
با تو میشه ستاره بود همیشگی شد و نمرد

ناصر:

وقتی که تو کنار می تازه منو من مبینم
آفتاب و مهتاب نمیخوام این شبو روشن مبینم

سعید:

از من و تو گذشت عزیز به شب بگو آفتابی شه
ستاره رو سرم بریز به شب بگو آفتابی شه

ناصر:

از من و تو گذشت عزیز به شب بگو آفتابی شه
ستاره رو سرم بریز به شب بگو آفتابی شه

ناصر:

آی گل یخ با دست تو درای بسته وا میشن
وقتی که تو پیش منی گمشده ها پیدا میشن

سعید:

قناری تو کنج قفس پرواز معنا میکنه
برای دیواری که هست پنجره رو وا میکنه

ناصر:

از من و تو گذشت عزیز به شب بگو آفتابی شه
ستاره رو سرم بریز به شب بگو آفتابی شه

سعید:

از من و تو گذشت عزیز به شب بگو آفتابی شه
ستاره رو سرم بریز به شب بگو آفتابی شه

■ گریه نکن

گریه نکن ای آسمون
از راه و رسم این زمون
کار جهان همین بوده
با دل خون عاشقون
مگه تو هم ای آسمون
یار سفر کرده داری؟
که مثل سیل از اون چشات
بارون حسرت میباری؟
فقط تویی که میدونی
شبا به چشم خواب نمباد
گلای آرزوی من
تو خزون رفته به باد
تنها تویی که میدونی

آروم نمشیه این دلم
فقط با آفتاب چشاش
آب میشه برف مشکلم
بیا و این ترانه رو
بخون برای بار من
شاید که باز بخواد بیاد
گل کنه تو بهار من
بشکنه بی صدایی رو
رها کنه جدایی رو
باز بکاره تو قلبه من
گلای آشنایی رو

WwW.Saeid-Shahrouz.Blogfa.Com

با تشکر از میترای عزیز